

اکولوژی، منظر و طراحی اکولوژیک منظر

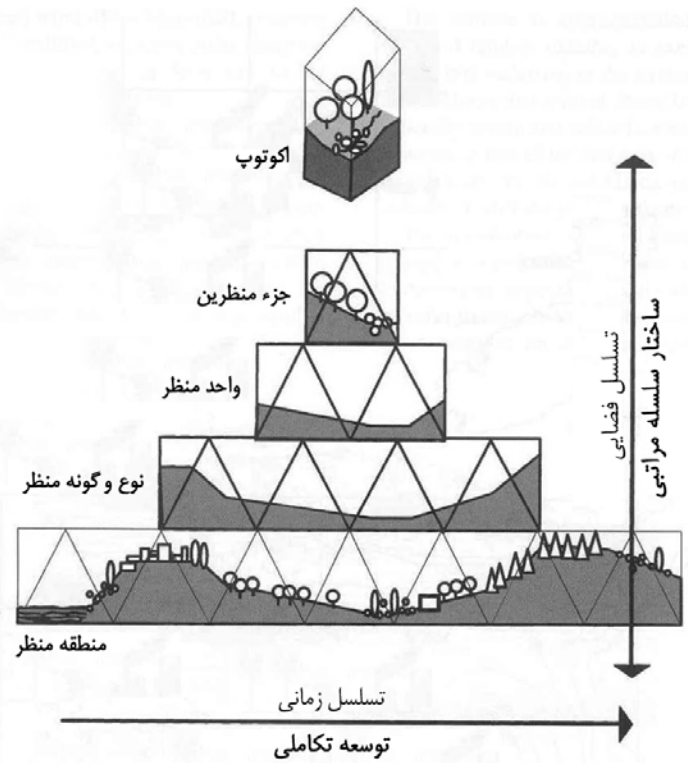
چکیده | به عنوان یک حرفه در حال توسعه، چالش‌های متعددی پیش روی معماری منظر در خاورمیانه وجود دارد. از یک سو، دشواری معرفت‌شناختی در بسترسازی مفاهیم غربی و معانی لایه‌ای واژه منظر نسبت به پیچیدگی‌های جغرافیایی و فرهنگی منطقه؛ و از سوی دیگر، چالش ره‌انیدن پیش‌فرض‌های موجود در ادراک منظر، از تمرکز صرف بر سیما و به عبارتی منظر به مثابه چشم‌انداز. یک نگاه محدود و غیرزمینه‌گرا، که از دریافت میراث منظرین غنی خاورمیانه ناتوان است، ظرفیت‌های منظر را به عنوان یک چارچوب مطالعاتی میان‌رشته‌ای تضعیف کرده و حیطة حرفه معماری منظر را به زیباسازی سطحی و ظاهری محدود می‌سازد. این مقاله رویکرد کل‌نگر و پویای طراحی اکولوژیک منظر را مطرح می‌کند، با این استدلال که اکولوژی می‌تواند الف) معنای منظر را، فراتر از اینجا و اکنون، زمینه‌گرا کند، پاسخگوی اکولوژی منطقه باشد و میراث تاریخی و بومی منظر را ادغام کند؛ و ب) مباحث معماری منظر را گسترش دهد تا نه تنها سیما و نمود ظاهری را در بر گیرد، بلکه شامل ابعاد محیطی، اکولوژیک، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی نیز باشد. برای نشان دادن پیچیدگی و انطباق‌پذیری یک چارچوب منظرین کل‌نگر، و قابلیت‌های آن در پیشبرد پژوهش‌ها و فعالیت‌های حرفه‌ای معماری منظر، گستره‌ای از کاربردهای آن ذکر شده است.

واژگان کلیدی | طراحی منظر اکولوژیک، اکولوژی منظر، خاورمیانه، کل‌نگر، توسعه‌گرا.



جلا مخزومی
دکتری طراحی منظر،
دانشگاه آمریکایی
بیروت، لبنان.

jm08@aub.edu.lb



نمودار ۱: مناظر به صورت سلسله‌مراتبی، و با پیوستگی فضایی بین کوچکترین واحد قابل شناسایی همگن تا منظر در مقاس جهانی سازمان می‌یابند.
مأخذ: Makhzoumi, 2000.

Diagram 1: Landscapes are organized hierarchically, spatially contiguous from the smallest homogeneous identifiable unit to the global landscape. Source: Makhzoumi, 2000.

در فرهنگ‌های غیرغربی منظر بخشی از تجربه مشترک روزمره، مایه معیشت، و اساس شکل‌گیری هویت و حس تعلق است. مفهوم غربی منظر، در دهه‌های آغازین قرن بیستم، به وسیله نظامات معماری و پسا-استعماری در خاورمیانه مطرح شد. منظر یکی از استراتژی‌های متعدد برنامه‌ریزی با هدف مدرنیزه کردن شهرها، پیش از دوره صنعتی شدن، در خاورمیانه بود. بلوارهای درختکاری شده، میادین منظرسازی شده، پارک‌های شهری و فضاهای باز متعددی که به وجود آمد، از حیث گونه‌شناسی و مقیاس بی‌سابقه بود و به عنوان نماد مسلم شهر مدرن پذیرفته شد (Makhzoumi, 2015a).

مدرنیزه شدن واژه دیگری بود برای غربی شدن، و تحمیل راهکارهایی برای برنامه‌ریزی که بستر فرهنگی و اکولوژیکی را نادیده می‌گرفت. این فرآیند، به طور مداوم، میراث منظر منطقه را تضعیف و تخریب کرد، و شیوه‌های سنتی را ناسازگار با حرکت به سوی نوشتن نشان داد (Maffi & Daher, 2013). پیشینه هزاران سال از سیستم‌های بومی پایدار در مهار طبیعت ناسازگار کنار گذاشته شد. ارزش‌گذاری‌های سنتی طبیعت و مفاهیم فرهنگی منظر نیز گم شدند (Makhzoumi, 2008). این‌ها همه در زمانی اتفاق افتاده که برای ادارک زمینه‌گرایی منظر، فهم محدودیت‌های اکولوژیک و تأثیرات آن بر شیوه‌های تولید، و همچنین شناخت ارزش‌های بنیادی‌ای که خاورمیانه را شکل داده‌اند، باید در مرکز توجه قرار گیرد (Lindholm, 2002).

این واقعیت که معماری منظر به عنوان حرفه‌ای مستقل از معماری در این منطقه ناشناخته بود، فائق آمدن بر مشکلات زبان‌شناختی و معرفت‌شناختی را مشکل‌تر ساخت. در نیمه اول قرن بیستم، از آنجایی که تنها تعداد انگشت‌شماری معمار منظر در این منطقه فعالیت می‌کردند، ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس در پایتخت‌ها بر عهده متخصصان خارجی گذاشته شد. درحالی‌که بعضی از پروژه‌های این دوره به زمینه و بستر بومی حساسیت نشان دادند، بقیه طرفدار سبک بین‌المللی شدند که با هدف حرکت به سوی

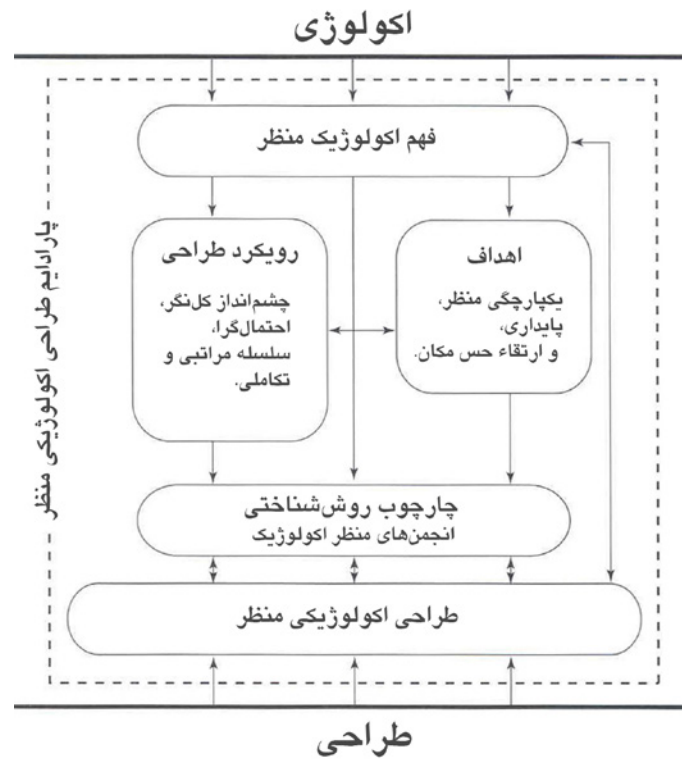
منظر در خاورمیانه: ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها

منظر محصول و پیامد شکل‌دهی محیط توسط مردم، در جهت منطبق‌سازی آن با نیازهایشان، در زمان و مکان مشخص است. معنای منظر، چه روستایی یا شهری باشد و چه محلی یا منطقه‌ای، سه مؤلفه را در بر می‌گیرد: اول، محیطی که تغییر شکل داده می‌شود یعنی بستر طبیعی؛ دوم، عامل انسانی، ارزش‌های فرهنگی مشترک و عوامل تعیین‌کننده اجتماعی-اقتصادی و سیاسی که هدایت‌کننده این شکل‌دهی هستند؛ و سوم، محصول و نتیجه فرآیند شکل‌دهی یعنی خود منظر. در عین حال، محصول و فرآیند تولید محصول با هم تحول و رشد پیدا می‌کنند و یکی دیگری را شکل می‌دهد. به این ترتیب ارزش‌ها و معانی مشترکی که موجب شکل‌گیری منظر هستند، خود توسط همین منظر دگرگون می‌شوند.

تعریف معاهده اروپا^۲ از منظر به عنوان «بخشی از سرزمین، آنطور که توسط مردم ادراک می‌شود و ویژگی‌های آن نتیجه برهم‌کنش عوامل طبیعی و انسانی است» (Council of Europe, 2000)، اهمیت عامل انسانی را به رسمیت می‌شناسد و تأیید می‌کند که منظر ریشه در فرهنگ دارد. با این وجود کماکان منظر در فرهنگ‌های غیرغربی در معنای قرن نوزدهمی آن، که به ابعاد بصری و نمایی منظر اولویت می‌داد، استفاده می‌شود. تضاد بین مفهوم فرهنگ-محور منظر در معاهده اروپا، و مفهوم منسوخ و نقاشی‌گونه آن که در سراسر جهان غالب شده، موضوعی مهم و چالش برانگیز است. همچنین برگردان واژه منظر (landscape) مشکلی دیگر است (Makhzoumi, 2002). در زبان‌های عربی و فارسی، به ترتیب، واژه‌های «مشهد» و «منظر» استفاده می‌شوند، که هر دو واژه‌هایی عربی و به معنای چشم‌انداز هستند. در ترکیه معادل فرانسوی واژه منظر یعنی paysage پذیرفته شده است. این یک چالش زبان‌شناختی نیست؛ بلکه همانطور که «پنیر»^۳ توضیح می‌دهد مشکل از تفاوت در جهان بینی‌های مختلف در فرهنگ‌های غربی و غیرغربی ناشی می‌شود. در غرب، مفهوم‌سازی واژه منظر با نوعی فاصله‌گیری و اهمیت دادن به جایگاه بیننده صورت می‌گیرد و فعل «دیدن» در اولویت قرار دارد؛ درحالی‌که

نمودار ۲: طراحی اکولوژیک منظر بر اساس شناخت عمیق از علوم اکولوژیک و مهارت‌های خلاقانه طراحی در حل مسئله انجام می‌شود. مأخذ: Makhzoumi & Pungetti, 1999.

Diagram 2: Ecological landscape design draws on the in-depth understanding of ecological sciences and the creative problem-solving design skills. Source: Makhzoumi & Pungetti, 1999.



باید در تمامیت‌شان مطالعه و مدیریت شده و به‌عنوان موضوعی یکپارچه، در پیوستگی‌شان در مقیاس محلی تا جهانی درک و شناخته شوند.

اگر بپذیریم که مناظر تجلی ملموس اکوسیستم‌ها هستند، اکولوژی منظر می‌تواند تمرکز فعلی بر نمود خارجی منظر را با آگاهی از طرز کار درونی آن کامل کند. مفاهیم اکولوژی منظر می‌تواند راهنما و آگاهی بخش طراحی و برنامه‌ریزی منظر باشد. پنج مفهوم منتخب در اینجا بررسی شده‌اند (Makhzoumi & Pungetti, 1999).

اولین مفهوم «پیچیدگی و روابط متقابل» است؛ شبکه‌ای از برهم‌کنش‌ها که مناظر را در مقیاس‌های فضایی مختلف پایدار نگه می‌دارد. گرچه فهم این برهم‌کنش‌ها اغلب مشکل است، اما آگاهی از وجود پیچیدگی برای پرهیز از منطبق‌تقلیل‌گرایانه دکارتی و تمرکز بر جزء‌نگری لازم است. مورد دوم ویژگی خودسازمان‌دهندگی اکوسیستم‌ها است؛ توانایی آن‌ها در حفظ ساختارهایشان در رویارویی با اختلالات و آشفتگی‌ها، که نشانه‌ای از سلامت و «یکپارچگی» آن اکوسیستم است (Wood-ley; Kay & Francis, 1993). به‌عنوان نمونه، مناظر سنتی مدیترانه‌ای، یکپارچگی و تمامیت اکولوژیکی خود را در خلال هزاران سال بدست آورده، و این از طریق سازوارشدن با آشفتگی‌ها و اختلالات منظم و دوره‌ای

شرح داده، فرسایش و تنزل محیطی را توضیح می‌دهد و اطلاعات لازم برای حفاظت از منابع طبیعی را فراهم می‌کند. مانند منظر، اکولوژی چیزی بیشتر از یک علم است. اکولوژی، به‌عنوان یک «تفکر»، الهام‌بخش دیدگاه‌های مرتبط با هستی انسان بوده‌است؛ یک نگاه فلسفی به ارتباط ما با طبیعت که در حال تغییر است، و جایگزینی برای کیهان‌شناسی کهن. درحالی‌که اکولوژی به‌عنوان یک «جنبش»، به‌عنوان منبع الهامی برای اقدامات سیاسی و پرسشگری در خصوص نابرابری‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی مطرح شده‌است (Makhzoumi & Pungetti, 1999).

اکولوژی منظر که شاخه‌ای جوان‌تر از این علم است، به‌طور خاص در طراحی و برنامه‌ریزی تأثیرگذار شده است. اکولوژی منظر، به‌عنوان علمی که دیدگاه فضایی و «افقی» جغرافی‌دان‌ها را با دیدگاه عمکردی و «عمودی» اکولوژیست‌ها ادغام می‌کند (Naveh & Lieberman, 1990)، نقش عامل انسانی و فرآیندهای اجتماعی-اقتصادی و سیاسی را به‌اندازه فرآیندهای اکولوژیکی در شکل‌دهی به منظر به‌رسمیت می‌شناسد. ساختار کل‌نگر در اکولوژی منظر بر سیستم‌ها (یا گُل‌ها) تأکید می‌کند؛ با این استدلال که کلیت یک چیز، همواره چیزی بیش از مجموع اجزای تشکیل‌دهنده آن است، و اینکه مناظر

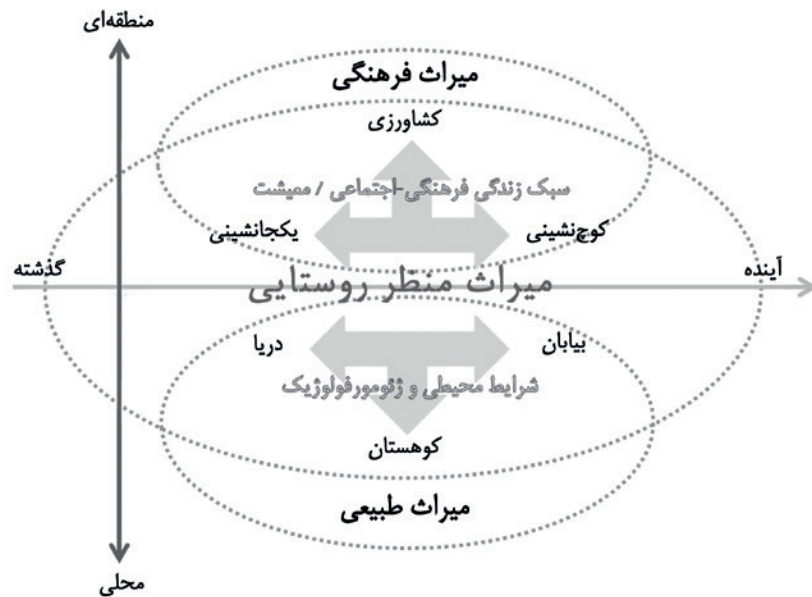
مدرن شدن، مورد تشویق دولت‌ها و مقامات محلی قرار می‌گرفت. تمرکز بیش از حد بر شهرها، ناهمخوانی و نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی و محیطی بین شهرها و روستاها را افزایش داد. به‌دنبال آن، آگاهی از ضرورت توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی، تأثیر اجتناب‌ناپذیری بر رویکردهای طراحان و برنامه‌ریزان گذاشت و آن‌ها را به سمت حساسیت اکولوژیکی بیشتر سوق داد. موج تازه‌ای از مشاوران خارجی برای توجه به ویژگی‌های خاص منطقه از راه رسیدند. برای نمونه می‌توان به «پارک زیرزمینی الفیحاء» در ابوظبی، «وادی الکبیر» در مسقط و «وادی حنیفه» در ریاض اشاره کرد. (Moosavi; Makhzoumi & Grose, 2015)

این مقاله به سه بخش تقسیم شده است: بخش اول به شرح مفاهیم منظر در علوم اکولوژیکی می‌پردازد؛ بخش دوم پارادایم طراحی اکولوژیکی منظر را بررسی می‌کند؛ و سومین بخش به‌طور مختصر کارکردهای آن را در خاورمیانه بیان می‌دارد.

اکولوژی، اکولوژی منظر

و ادراک اکولوژیکی از منظر

اکولوژی در نیمه دوم قرن بیستم بوجود آمد تا به‌عنوان علمی شناخته شود که الگوها و فرآیندهای طبیعی را



نمودار ۳: چارچوب کل نگر طراحی اکولوژیک منظر فراگیر و پاسخگو بوده و از میراث متنوع منظر خاورمیانه الهام می‌گیرد. مأخذ: Makhzoumi, 2014.

Diagram 3: Holistic framing of ecological landscape design is expansive and responsive, finding inspiration in the diverse landscape heritage of the Middle East. Source: Makhzoumi, 2014.

(۱۹۶۹)، مفاهیم نوآورانه «جان تیلمن لایل» (۱۹۹۴)، «ارزش‌های اکولوژیکی» که توسط «تامپسون» (۱۹۹۹) مطرح شد، و تأثیر «فردریک استینر» بر روش‌های برنامه‌ریزی منظر اکولوژیک (Steiner, 1990; Thomp-son & Steiner, 1997)، نمونه‌هایی هستند که چارچوبی پویا، یکپارچه و سیال از منظر ارائه می‌کنند که میان استفاده پایدار از منابع طبیعی، سلامت محیط و رفاه اجتماعی-اقتصادی تعادل برقرار می‌کند.

ارتباط اکولوژی منظر و معماری منظر پارادایم طراحی اکولوژیک منظر (Makhzoumi & Pun-getti, 1999) هنوز رویکرد دیگری است. در جنوب اروپا و منطقه مدیترانه، سرخوردگی از به‌کارگیری تدابیر برنامه‌ریزی شمال اروپا، صاحب‌نظران و مؤلفان را بر آن داشت تا با تکیه بر رابطه بین اکولوژی و طراحی، و تقویت این رابطه، موقعیت دانش و حرفه منظر را تغییر دهند. بر اساس رویکرد کل نگر و تحلیلی دانشمندان و همچنین خلاقیت و درک شهودی طراحان در حل مسئله، پارادایم طراحی اکولوژیک منظر بر سه فرضیه بنیادی استوار است: الف) درک عمیق و جامع اکولوژیک از منظر؛ ب) ارزش‌ها و اهداف جایگزین؛ ج) چارچوب روش شناختی جدید. این پارادایم حد و مرزی ندارد. دانش به‌دست آمده از فهم

(rina, 1998). در سطح جهانی، «اکوسفر» یعنی بزرگترین سیستم سیاره‌ای است که حیات را پایدار نگه می‌دارد، و خود ترکیبی از اکوسیستم‌های بزرگ و کوچکی است که هر یک از آن‌ها نیز از اکوتوپ‌ها^۱، یعنی کوچکترین واحد فیزیکی و مادی همگن، تشکیل شده‌اند (Naveh & Li-berman, 1990). آگاهی از این ساختار سلسله مراتبی، دانشمندان و طراحان را به این مسئله واقف کرد که مناظر و اکوسیستم‌ها متصل و دارای برهم کنش بوده و از نظر فضایی یکپارچه و پیوسته هستند. ساختار سلسله مراتبی اغلب به‌عنوان یکی از ارکان طبقه‌بندی منظر محسوب می‌شود (نمودار ۱).

نهایتاً اینکه درک مناظر نیازمند یک دیدگاه «تاریخی و تکاملی» است. مناظر در حال تغییرات پی‌درپی، در بازه‌های زمانی کوتاه و بلند هستند. درک عمیق از این دگرگونی‌های تکاملی، چه طبیعی باشند و چه متأثر از عامل انسانی، بینشی را به‌دست می‌دهد که تنها از خلال مشاهده یا توصیف ویژگی‌های منظر موجود به دست نمی‌آید. مفاهیم اکولوژیک دیدگاه جامعه‌شناسان را تحت تأثیر قرار داد و عامل محرکی برای یافتن مدل‌های اقتصادی جدید و الهام‌بخش زیبایی‌شناسی اکولوژیک شد (Makhzoumi & Pungetti, 1999). همچنین تأثیر مستقیمی بر معماری منظر گذاشت. کارهای پیشروی «ایان مک‌هارک»

طبیعی و انسانی، بواسطه یک ترمیم و بازیابی پویا توسط انسان، در بلند مدت و کوتاه مدت، در جهت رسیدن سیستم به وضعیتی نهایی و «عادی»، حاصل شده است. مفهوم سوم، «تنوع زیستی»^۲ است که به تعداد گونه‌ها و تنوع ژنتیکی که در میان گونه‌های یک زیستگاه یا منظر مشخص وجود دارد، اطلاق می‌شود. تنوع زیستی به اندازه و توزیع فضایی زیستگاه‌ها بستگی دارد. زیستگاه‌های وسیع‌تر و پیوسته، امکان جابجایی گونه‌های گیاهی و جانوری و در نتیجه تأمین سطوح بالاتری از تنوع زیستی را فراهم می‌کنند. غیریکنواختی، ناهمگنی و پیوستگی منظر، کلید حفظ تنوع زیستی بالا و داشتن اکوسیستم‌های سالم تر است. اخیراً، عبارت «تنوع زیستی-فرهنگی»^۳ با هدف بازشناسی عامل واسطه و نقش آن در حفظ تنوع منظر، مطرح شده است (International Union for the Conservation of Nature, 2010). مناظر چندعملکردی یک منطقه که ترکیبی از کاربری‌های کشاورزی، دامداری و جنگلداری هستند، نمونه زنده‌ای از تنوع زیستی-فرهنگی به‌شمار می‌روند (Makhzoumi; Chmaitelly & Lteif, 2012). چهارم، «سازمان سلسله‌مراتبی اکوسیستم‌ها» است؛ یک مفهوم بنیادی در اکولوژی منظر که به کاوش الگوها و فرایندهای منظر در مقیاس‌های فضایی مختلف کمک می‌کند (Fa-

باشند مورد توجه قرار می‌دهد (Tuan, 1974). اصول اخلاقی و ارزش‌های فراگیر به نوبه خود با سه هدف کلی پشتیبانی می‌شوند: حفظ یکپارچگی منظر، طراحی برای پایداری، و تقویت حس مکان و اجتماع (Makhzoumi & Pungetti, 1999).

بر اساس فهم اکولوژیک و ارزش‌های جایگزین (نمودار ۲)، چارچوب روش‌شناختی طراحی اکولوژیک، به برنامه‌ریزان، معماران و طراحان شهری، در تولید و گسترش یک خوانش کل‌نگر از مسائل موجود کمک می‌کند. این چارچوب روش‌شناختی فرمول‌پذیر نبوده؛ بلکه اکتشافی و واکنشی است، و به دور از راه‌حل‌های از پیش تعیین‌شده و متداول، منابع الهام و راهنما را در میراث متنوع منظر منطقه جستجو می‌کند. بالاتر از همه این‌ها، طراحی اکولوژیک منظر ادراکی لایه‌لایه و فراگیر از منظر ارائه می‌دهد که مطابق آن، منظر نه تنها آنچه قابل رؤیت و عینی است (شکل زمین، پوشش گیاهی و ساختمان‌ها) را دربرمی‌گیرد، بلکه عناصر غیرقابل مشاهده (فرآیندهای اکولوژیکی و محیطی شکل‌دهنده منظر) و غیرعینی (ادراکات فرهنگ-محور، عواطف و ترجیحات زیباشناسانه) را نیز شامل می‌شود (Makhzoumi, 2015a).

کاربردهای طراحی اکولوژیک منظر اگر مناظر را صورت قابل رؤیت و عینی محیطی که در آن ساکن هستیم بدانیم، که بیانی زنده از فرهنگ گذشته و امروز ما هستند و آرمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌مان را در بر دارند، در آن صورت باید بپذیریم که مناظر یک سرمایه فرهنگی و محیطی بدون جایگزین‌اند. پیامدهای سه‌گانه این تفکر بدین قرار است: اولاً، منظر می‌تواند به عنوان یک چارچوب منسجم و چندوجهی در خدمت توسعه پایدار در زمینه‌های مختلف قرار گیرد و به دغدغه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بپردازد. ثانیاً، پیرو همین مطلب باید گفت که حل و فصل این مسائل را نمی‌توان تنها بر عهده معماران منظر گذاشت بلکه تحقق این مهم، نیازمند مشارکت تخصص‌های مختلف از جمله محیط‌زیست، اکولوژی، علوم اجتماعی، معماری و برنامه‌ریزی است. سوم اینکه، مردم، اجتماعات محلی و کل جامعه به همراه حقوق و آرمان‌هایشان، در قلب این چارچوب منسجم قرار دارند، که زمینه‌ساز تعریف معاهده اروپایی است که پیش‌تر آورده شد. یک چارچوب منسجم و کل‌نگر، قابلیت این را دارد که فراتر از یک چشم‌انداز زیبا و تعلق عاطفی به آن، توسعه‌های آینده را در منطقه جهت‌دار و انسان‌مدار کند. رویکرد کل‌نگر به منظر اکولوژیک همچنین در حوزه‌های

اکولوژیک منظر، تعابیر جدیدی از طراحی را مطرح می‌کند که پاسخگوی ویژگی‌های خاص فرهنگ محلی هستند. «فهم اکولوژیک ۸» از منظر دربرگیرنده یک نگاه کل‌نگر بر پایه احتمالات است که بر ساختار سلسله‌مراتبی و تکاملی منظر اذعان دارد. یک دیدگاه کل‌نگر، فرآیندهای فیزیکی و مادی، زیستی، اکولوژیک، جغرافیایی و اجتماعی-اقتصادی را ادغام می‌کند، و به این ترتیب میان دو قطبی‌های طبیعت-فرهنگ و شهری-روستایی ارتباط ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، یک نگاه احتمال‌گرا آگاهی می‌دهد که چگونگی تغییر در آینده را تنها می‌توان پیش‌بینی کرد، چرا که ساختار و عملکرد اکوسیستم برای پیش‌گویی دقیق بیش از حد پیچیده است (Naveh, 1995). چارچوب‌های فضایی و زمانی دیدگاه‌های سلسله‌مراتبی و تکاملی، همچنین با پیچیدگی و پیش‌بینی‌ناپذیری اکوسیستم‌های طبیعی، نیمه‌طبیعی و انسان‌ساخت انطباق دارد و مؤید پیوستگی فضایی و زمانی منظر است. برهم‌کنش ذهنی ناشی از حرکت بین سطوح سلسله‌مراتبی اکولوژیک و جلو و عقب رفتن در تاریخ، هوشیاری طراح را نسبت به فرآیندهای در حال وقوع و دخیل در شکل‌گیری یک منظر خاص تقویت می‌کند.

اهداف این پارادایم، نیاز به گسترش دامنه محدود ارزش‌های انسان‌محور را، فراتر از اینجا و اکنون، تصدیق کرده و در عوض ارزش‌هایی برآمده از رویکرد اکولوژیک را پیشنهاد می‌کند، که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را در طبقات مختلف فرد، خانواده، اجتماع محلی، جامعه و کل جهان به رسمیت می‌شناسد. به همین ترتیب، پارادایم طراحی اکولوژیک منظر نقش تجربیات نامحسوس عاطفی و روانی را، که عموماً غیرعلمی محسوب می‌شوند، در جایی که عواطف و احساسات جزئی از تجربه منظر

جدول ۱: مقایسه ویژگی‌های دو ادراک متفاوت از منظر: ادراک فرمال و ادراک کل‌نگر. مأخذ: نگارنده.

Table 1: Comparative profiling of landscape conceptions: the formal and the holistic. Source: Author.

ادراک کل‌نگر و اکولوژیک از منظر	ادراک مدرن و فرمال از منظر
فراگیر پیوسته،	مجزا و تفکیک شده، محدود
ویژه مکان / فرهنگ	طراحی عمومی
زیبایی‌شناسی اکولوژیک	زیبایی‌شناسی ظاهری
پویا، در حال تحول / همیشه در حال تغییر	ایستا، چشم‌انداز تصویری
مشارکتی، پیشرفت‌کننده	بهره‌مندی منفعل
چندعملکردی	کارکرد مشخص
یکپارچگی اکولوژیکی	غیربومی / تزئینی
پایداری محیطی	نیاز شدید به انرژی / آب / نیروی کار

ساختار کل‌نگر در اکولوژی منظر بر سیستم‌ها (یا گُل‌ها) تأکید می‌کند؛ با این استدلال که کلیت یک چیز، همواره چیزی بیش از مجموع اجزای تشکیل‌دهنده آن است، و اینکه مناظر باید در تمامیتشان مطالعه و مدیریت شده و به‌عنوان موضوعی یکپارچه، در پیوستگی‌شان در مقیاس محلی تا جهانی درک و شناخته شوند.

شده است (Makhzoumi, 2011). همچنین، منظر با دموکراسی پیوند یافته و مبنایی برای تبلیغ و اشاعه فعالیت‌های دموکراتیک شده است (Norwegian Uni- versity of Life Sciences, 2015). در مجموع، کارکردهای فوق‌نشان‌دهنده قابلیت انطباق‌پذیری دیدگاه فراگیر منظر، در تأمین خوانشی پویا از مکان و فرهنگ، محافظت از میراث متنوع فرهنگی و طبیعی، و تألیف راهبردهای بلندمدت و پایدار برای آینده است (نمودار ۳). همچنین، نمونه‌های کاربرد این رویکرد در پروژه‌ها، دیدگاهی متفاوت به مفهوم‌سازی منظر را مشخص می‌کند؛ دیدگاهی که انسان‌مدار و مردم‌محور است، و ریشه در مکان و فرهنگ دارد. تقابل بین دو دیدگاه، یکی دیدگاه مدرن و فرمال قرن بیستم، و دیگری یک دریافت پویا و کل‌نگر (جدول ۱)، دلالت بر چالش‌های پیش‌رو در هر دو حوزه دانشگاهی و حرفه‌ای دارد.

مفاهیم نظری و نتایج حاصل از کاربرد آن در دو پروژه در شهرهای «صیدون» در منطقه مدیترانه‌ای لبنان، و بغداد در منطقه خشک عراق، پاسخوگی طراحی اکولوژیک منظر را به اکولوژی شهری و نیازهای اقتصادی-اجتماعی آشکار می‌کند (Makhzoumi, 2015b). میراث طبیعی و فرهنگی، حوزه دیگری است که می‌تواند با رویکرد کل‌نگر منظر مورد توجه قرارگیرد. در حفاظت از منابع طبیعی و تنوع زیستی، می‌توان هدف را گسترش داد تا دستیابی به توسعه روستایی و فراهم نمودن معیشت محلی را نیز در برگیرد (Makhzoumi; Chmai - telly & Lteif, 2012). همین رویکرد را می‌توان در منظر شهری برای انطباق میراث مصنوع و اکولوژیک داشت که نمونه آن ایده‌پردازی هسته تاریخی کاملیه در بغداد است (Dewan Architects and Engineers, 2014). طراحی اکولوژیک منظر همچنین در بازسازی‌های پس از جنگ در جنوب لبنان، که در پی خرابی‌های ایجاد شده توسط اسرائیل در سال ۲۰۰۶ صورت گرفت، به کار رفته است. شرط اصلی رویکرد منظرین به بازسازی این است که از هدفی قابل توسعه و چشم‌اندازی بلندمدت برخوردار باشد و حتماً نیازهای اساسی یک زندگی سالم و استاندارد را مدنظر داشته باشد (Makhzoumi, 2010). راهبردهای بازسازی ارائه شده در پروژه فوق از نظر اجتماعی فراگیر، از نظر محیطی پایدار و متناسب با شأن و هویت جوامع متأثر از جنگ هستند. اخیراً، یک مفهوم فراگیر منظرین به‌عنوان بنیانی برای حقوق بشر (Egoz; Makhzoumi, 2011) و مبنایی برای فعالیت‌های مدنی در مقابل توسعه انحصاری و تحت‌تأثیر بازار، به کار گرفته

پژوهش و تجربه حرفه‌ای به کار رفته است. به‌عنوان نمونه، تحقیقاتی که درباره نحوه ادراک سنتی از منظر در مناطق روستایی جنوب لبنان صورت گرفته، نشان می‌دهد که حتی در غیاب یک واژه/ مفهوم جامع، «منظر» جزئی ذاتی از گفتمان فرهنگ روستایی، و ابزار توانمندی برای حفظ فرهنگ سنتی، شکل‌گیری هویت‌های محلی و بازشناسی میراث روستایی است (Makhzoumi, 2009). کاوش در اشتراکات «باغ» و «منظر» نیز به درک بهتر این موضوع کمک می‌کند. مطالعه خانه‌های روستایی به نام «هاکورا» به‌عنوان الگوی اولیه‌ای از منظر مدیترانه‌ای/ خاورمیانه‌ای، نشان‌دهنده ادراک فرهنگی از طبیعت در این منطقه از طریق ترکیب سودمندی و بهره‌وری با یک اجرای زیباشناسانه است (Makhzoumi, 2008). مقایسه مفهوم منظر در مناطق روستایی و شهری لبنان نمایانگر تغییر اولویت‌ها و سلاقی، از یک ادراک فرهنگ-محور به یک مفهوم وام‌گرفته از غرب است (Makhzoumi, 2015a). منظر روستایی موضوع مهمی است، حتی اگر بیش از نیمی از جمعیت خاورمیانه در شهرها ساکن باشند (Makhzoumi, 2014). فارغ از یک نگاه احساسی، فرهنگ روستایی دربرگیرنده ارزش‌های سنتی است که در شهرها به سرعت در حال تغییر هستند. درک و بینشی که از فرهنگ روستایی به دست می‌آید، می‌تواند الهام‌بخش و آگاهی‌دهنده حرفه در حال شکل‌گیری معماری منظر باشد. چارچوب روش‌شناختی طراحی اکولوژیک منظر، در پروژه‌هایی که موضوع آن‌ها گسترش پایدار فضای سبز شهری بوده، مورد آزمایش قرار گرفته است. قیاس بین

برای رویارویی با بی‌ثباتی‌های سیاسی در منطقه و به‌عنوان ابزاری برای بازگرداندن غرور و عظمت به فرهنگ محلی و میراث منطقه‌ای در برابر پدیده جهانی شدن ضرورت دارد (Moosavi; Makhzoumi & Grose, 2015). علی‌رغم اینکه دریافت کل‌نگر در طراحی اکولوژیک منظر می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد جامع مورد توجه قرارگیرد، لیکن این قابلیت را نیز دارد که بر محدودیت‌های زبانی غلبه کند و گفتمان منظر را در منطقه غنا ببخشد. و این از دو راه انجام پذیر خواهد بود: الف) آغاز گفتگویی بین رشته‌ها و حوزه‌های مختلف در جستجوی یک دریافت فرهنگ‌گرا از منظر؛ و ب) از طریق آموختن محدودیت‌های دیدگاه کل‌نگر به منظر، در پایدارسازی منابع طبیعی، حفظ یکپارچگی اکولوژیکی و برآوردن آرمان‌های مردم برای یک زندگی بهتر.

جمع‌بندی | منظر به‌طور استثنایی یک مفهوم چندلایه و پیچیده است که بخشی از آن را طبیعت و بخش دیگر فرهنگ تشکیل می‌دهد. از نظر فضایی و زمانی سیال است و همزمان دربرگیرنده ارزش‌ها و باورهای غیرعینی است. کنکاش در معانی، ادراکات و مفاهیم چندگانه، ظرفیت منظر به‌عنوان یک چارچوب میان‌رشته‌ای وزمینه‌گرا را نشان می‌دهد. علاوه بر آن، پاسخوگی منظر به مکان و فرهنگ، با توجه به افزایش تأثیر توسعه‌های بازارمحور و سیاست‌های آزادی‌خواهانه جدید در خاورمیانه، به طور ویژه اهمیت پیدا می‌کند. کارکردهایی که ذکر شد نمایانگر تطبیق‌پذیری منظر است و ظرفیت آن را برای پرداختن به نیازهای اقتصادی-اجتماعی و غلبه بر انفصال فرهنگی و اکولوژیکی بین شهر و منطقه و بین حال و گذشته، نشان می‌دهد. ایجاد این ارتباط‌ها

بی‌نوشت

Ecotopes . ۷
Ecological understanding . ۸
Hakura . ۹

Biological diversity . ۴
Bio-Cultural diversity . ۵
Ecosphere . ۶

Ecology . ۱
The European Landscape Convention . ۲
Barbara Bender . ۳

Reference list

- Bender, B. (ed.). (1993). *Landscape: politics and perspectives*. Providence: Berg.
- Council of Europe. (2000). *European Landscape Convention* [Details of Treaty No. 176]. Available from <http://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/treaty/176>
- Daher, R. & Maffi, I. (eds.). (2014). *The Politics and Practices of Cultural Heritage in the Middle East: Positioning the material past in contemporary societies*. London: I.B. Tauris.
- Dewan Architects and Engineers. (2014). *Kadhimiya Development*. Available from: http://www.dewanarchitects.com/2014web_backup/work_urban_planning_khadamiya.html
- Egoz, S.; Makhzoumi, J. & Pungetti, G. (eds.). (2011). *The Right to Landscape: Contesting Landscape and Human Rights*. London: Ashgate.
- Farina, A. (1998). *Principles and Methods in Landscape Ecology*. London: Chapman and Hall.
- International Union for the Conservation of Nature (2010). *Bio-Cultural Diversity*. Available from: https://www.iucn.org/about/work/programmes/social_policy/sp_themes_cdandtk/
- Lindholm, C. (2002). *The Islamic Middle East: Tradition and Change*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Lyle, J. (1994). *Regenerative Design for Sustainable Development*. New York: Wiley.
- Lyle, J. (1999). *Design for human Ecosystems: landscape, land use and natural resources*. Washington D.C.: Island Press.
- Makhzoumi, J., & Pungetti, G. (1999). *Ecological Design and Planning: the Mediterranean context*. London: Routledge.
- Makhzoumi, J. (2002). Landscape in the Middle East: An inquiry. *Landscape Research*, 27(3), 213–228.
- Makhzoumi, J. (2008). Interrogating the hakura tradition: Lebanese garden as product and production. *International Association for the Study of Traditional Dwellings and Settlements Working Paper Series*, 200: 50–60.
- Makhzoumi, J. (2009). Unfolding landscape in a Lebanese village: Rural heritage in a globalizing World. *International Journal of Heritage Studies*, 15(4): 317–337.
- Makhzoumi, J. (2010). Marginal Landscapes, Marginalized Rural Communities: Sustainable Postwar Recovery in Southern Lebanon. In H. Al Harithy (Ed.), *Lessons in Postwar Reconstruction: Case Studies from Lebanon in the Aftermath of the 2006 War* (pp. 127–157). London: Routledge.
- Makhzoumi, J. (2011). Colonizing mountain, paving sea: Neoliberal politics and the right to landscape in Lebanon. In S. Egoz, J. Makhzoumi & G. Pungetti (Eds.), *The Right to Landscape: Contesting Landscape and Human Rights* (pp. 227–242). London: Ashgate.
- Makhzoumi, J., Chmaitelly, H., & Lteif, C. (2012). Holistic conservation of bio-cultural diversity in coastal Lebanon: a landscape approach. *Journal of Marine and Island Cultures*, 1: 1–11.
- Makhzoumi, J. (2014). Is rural heritage relevant in an urbanizing Mashreq? Exploring the discourse of landscape heritage in Lebanon. In I. Maffi, R. Daher, & I.B Tauris (Eds.), *The Politics and Practices of Cultural Heritage in the Middle East: Positioning the material past in contemporary societies* (pp. 233–252). London: I. B. Tauris.
- Makhzoumi, J. (2015a). Borrowed or Rooted? The Discourse of 'Landscape' in the Arab Middle East. In D. Bruns, O. Kuhne, A. Schonwald, & S. Theile (Eds.), *Landscape Culture—Culturing Landscapes: The differentiated construction of Landscapes* (pp. 111–126). Wiesbaden: Springer-Verlag.
- Makhzoumi, J. (2015b). The Greening Discourse: Ecological Landscape Design and City Regions in the Mashreq. In R. Saliba (Ed.), *Urban Design in the Arab World: Re-Conceptualizing Boundaries* (pp. 65–82). London: Ashgate.
- McHarg, I. (1969). *Design with Nature*. New York: Garden City.
- Moosavi, S., Makhzoumi, J., & Grose, M. (2015). Landscape practice in the Middle East: between local and global aspirations. *Landscape Research*, 40: 1–14.
- Naveh, Z., & Lieberman, A. (1990). *Landscape Ecology*. New York: Springer-Verlag.
- Naveh, Z. (1995). From biodiversity to ecodiversity: new tools for holistic landscape conservation. *International Journal of Ecology and Environmental Sciences*, 21: 1–16.
- Norwegian University of Life Sciences. (2014). *Centre for Landscape Democracy*. Retrieved from <https://www.nmbu.no/en/about-nmbu/faculties/samvit/departments/ilp/clad>
- Steiner, F. (1990). *The Living Landscape: An ecological approach to landscape planning*. New York: McGraw-Hill.
- Thompson, F., & Steiner, F. (Eds.). (1997). *Ecological Design and Planning*. New York: Wiley and Sons.
- Thompson, I. (1999). *Ecology, Community and Delight: Sources of Values in Landscape Architecture*. London: E & FN Spon.
- Tuan, Y. F. (1974). *Topophilia: a study of environmental perception, attitudes and values*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall.
- Woodley, S., Kay, J., & Francis, G. (Eds.). (1993). *Ecological Integrity and the Management of Ecosystems*. Ottawa: St Lucie Press.
- Thompson, I. (1999). *Ecology, Community and Delight: Sources of Values in Landscape Architecture*. London: E & FN Spon.
- Tuan, Y. F. (1974). *Topophilia: a study of environmental perception, attitudes and values*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall.
- Woodley, S., Kay, J., & Francis, G. (Eds.). (1993). *Ecological Integrity and the Management of Ecosystems*. Ottawa: St Lucie Press.

Ecology, Landscape and Ecological Landscape Design

Jala Makhzoumi
Ph.D in Landscape Design,
American University of Beirut, Lebanon.
jm08@aub.edu.lb

Abstract | As a profession in the making, there are several challenges facing landscape architecture in the Middle East. On the one hand, there is the epistemological problematic of contextualizing the Western, layered meaning of the word landscape to the geographical and cultural complexity of the region. On the other hand, there is the challenge of liberating current pre-conceptions of landscape from the focus on appearance, namely of landscape as scenery. A decontextualized, narrow understanding fails to draw on the rich historical landscape heritage of the Middle East, undermines the potential of landscape as an interdisciplinary investigative framework and restricts the professional scope of landscape architecture to superficial beautification. This paper advances the holistic, dynamic approach

of ecological landscape design, arguing that ecology can (a) contextualize the meaning of landscape, beyond the here and now, to respond to regional ecology and incorporate historical and vernacular landscape heritage and (b) expand the discourse of landscape architecture to embrace not only appearance but also environmental, ecological, socio-economic and political dimensions. A range of applications are cited to demonstrate the complexity and versatility of a holistic landscape framework and its potential in advancing scholarship and professional practice in landscape architecture.

Keywords | Ecological landscape design, Landscape ecology, Middle East, Holistic, Expansive.